



## زندگی و زمانه امام جماعت محبوب



توانست در دل اهالی جا باز کند و همین عشق و علاقه باعث شد تا وقتی سال ۱۳۳۲ خورشیدی دعوت حق را لبیک گفت، او را در همین مسجد به خاک سپردند.

از شاگردان خلف او باید به مرحوم علی اصغر صفار هرندی اشاره کرد؛ کسی که مردم بعد از فوت آیت الله بروجردی از او خواستند امامت جماعت مسجد شود. او برادر شهید رضا صفار هرندی، از اعضای مؤتلفه اسلامی بود که در ترور حسنعلی منصور مشارکت داشت. کتابهای «مناظرات»، «العشرات»، «معرفت الانسان»، «سیر المنازل»، «در اعمال شب و روز»، «مواعظ»، «اسرار نماز اسرار خواب المرار شهادت حسینی» و «تقویم شرعی» از جمله آثار آیت الله بروجردی است که علیرضا زمانی از آنها یاد می کند.

در تهران می گوید: «نخستین مقصد او مسجد سعادت در حوالی بازار تهران بود و بعدها در مسجد امام حسین (ع) خیابان مولوی به موعظه و ارشاد مردم پرداخت. با همه رتبه و درجه بالای علمی این روحانی فرهیخته، بعد از ساخت مسجد هرندی که در گذشته میان اهالی به مسجد بابایف یا اصفهانی ها معروف بود، به دعوت بانی آن، حاج حسین رحیم خانی بابایوف، امام جماعتی این مسجد را بر عهده گرفت.»

آن زمان اهالی محله شرایط اجتماعی چندان مناسبی نداشتند و اکثراً مهاجرانی بودند که از روستاهای اطراف راهی تهران شده بودند و کسب و کار پر درآمدی نداشتند و با تنگدستی و کمترین امکانات رفاهی روزگار می گذراندند. مرحوم بروجردی تنها سال امام جماعتی مسجد هرندی را عهده دار بود، اما در همین مدت کوتاه خیلی زود

وارد حیاط مسجد هرندی می شویم. سنگ مزار قدیمی در اتاقکی شیشه ای نگاه را جلب می کند. اینجا آرامگاه آیت الله شیخ محمد تقی دانیالی (بروجردی)، امام جماعت محبوب محله هرندی، در سال های اولیه قرن گذشته است. بنا به گفته علیرضا زمانی، تهران پزوه، این عالم ربانی سال ۱۲۶۱ شمسی دیده به جهان گشود. او دروس مختلف دینی را در محضر بزرگانی چون سید محمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی و شیخ رضا ترک در ایران و نجف آموخت. دوره پهلوی اول بود که آیت الله بروجردی محله هرندی با به پایان رساندن تحصیلات دینی اش در نجف راهی ایران شد و ابتدا به اراک رفت. ۲۰ سال مدرس و معلم مدرسه سپهدار اراک بود و بعد به پایتخت مهاجرت کرد.

زمانی، درباره فعالیت های آیت الله بروجردی

### شهدای محله هرندی

اهالی محله هرندی مذهبی و پایبند به اصول انقلاب اسلامی اند. تقدیم ۱۲۰ شهید در مبارزات انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و دفاع از حرم مقدس حضرت زینب (س) گویای این مدعاست. در این بخش تعدادی از نخستین شهیدان محله هرندی را معرفی کردیم.



### جوان ترین شهید ۸ سال دفاع مقدس

احمد کریمی یکی از نخستین جوانانی بود که با شروع جنگ تحمیلی از محله هرندی برای دفاع از آب و خاک کشور لباس رزم به تن کرد و راهی جبهه های نبرد شد. احمد متولد سال ۱۳۴۵ بود و زمان شهادت ۱۶ سال بیشتر نداشت. او ۷ اسفند سال ۱۳۶۱ در عملیات مسلم ابن عقیل به فیض رفیع شهادت رسید.



### مسن ترین شهید ۸ سال دفاع مقدس

عشق به دفاع از آب و خاک میهن سن و سال نمی شناسد. ابراهیم کریمی از سایر رزمندگان محله هرندی که با شروع جنگ تحمیلی عزم میدان جنگ کردند، مسن تر بود. او که متولد سال ۱۳۱۴ بود، دوم اردیبهشت سال ۱۳۶۱ در عملیات بیت المقدس به شهادت رسید.



### نخستین شهید انقلاب

احمد مرادی، از جوانان مبارز و انقلابی محله هرندی، پای ثابت تظاهرات و جمع های بود که برای پیروزی انقلاب اسلامی در محله ها و میدان های مختلف شهر شکل می گرفت. او متولد ۱۳۳۵ بود و روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، وقتی بیشتر از ۲۲ سال نداشت، در تظاهرات میدان آرک با تیراندازی مأموران امنیتی به شهادت رسید.

### نخستین شهید مدافع حرم محله

موسی رجبی از جوانان تحصیل کرده و عاشق اهل بیت (ع) بود و همین دلدادگی هم او را راهی سوریه و دفاع از حرم اهل بیت (ع) کرد. موسی که جزو مهندسان نیروی پشتیبانی بود، سال ۱۳۹۷ در سوریه به فیض رفیع شهادت رسید.



## وقتی خانه شیخ حسینیه شد

پدرش جامه عمل می پوشاند و این خانه را می خرد و به حسینیه تبدیل می کند.

شیخ رجبعلی خیاط یکی از مردان خوشنام زمانه خودش بود و خبر به حسینیه تبدیل شدن خانه قدیمی اش در محله دروازه غار در کمترین زمان ممکن در پایتخت پیچید. خیلی طول نکشید که خیران و مؤمنان جنوب شهر وارد میدان شدند و فرار شد برای توسعه حسینیه رجبعلی خیاط یک طبقه دیگر به آن اضافه کنند. علیرضا زمانی، تهران پزوه، درباره سیر تبدیل خانه شیخ رجبعلی خیاط به حسینیه می گوید: «طبقه دوم ساختمان که به بخش زنانه اختصاص پیدا کرده در سال های اخیر ساخته شد و مشرف به حیاط است. خانه شیخ رجبعلی خیاط به لحاظ تاریخی هم بارز است، چرا که بنای آن به دوره قاجار تعلق دارد و قبل از شیخ رجبعلی خیاط محل زندگی پدرش بوده است.»

نکته ای که حسینیه شیخ رجبعلی خیاط را از سایر حسینیه های محله هرندی متمایز می کند این است که یکی از بانوان محله به نام معصومه عبداللهی به عنوان

کوچه شهید برادران منتظری در محله هرندی در سال های دور به کوچه سیاه ها معروف بود، اما کوچه سیاه ها یک نقطه روشن داشت و آن هم وجود رجبعلی خیاط، کاسب در ستکاری بود که روایت های نابی درباره سلوک و سبک زندگی اش نقل می شود. خانه رجبعلی خیاط در میانه کوچه واقع شده و در آن سال ها محل کار شیخ هم بوده است. این خانه قدیمی در یک طبقه ساخته شده بود و ماجرای اضافه شدن یک طبقه دیگر خواندنی است.

بعد از درگذشت رجبعلی خیاط در سال ۱۳۴۰ فردی به نام حبیب سبزی فروش، خانه شیخ را از ورثه خرید و چند سال بعد به دو نفر دیگر فروخت. خانه ای که نزدیک به ۲ دهه محل رفت و آمد خیران محلی و عارفان تهرانی بود، ماه ها و سال های آرامی را سپری کرد و مدت نسبتاً زیادی متروک مانده بود تا اینکه محمود، تنها پسر شیخ که زنده مانده بود، روایت می کند پدرش در خواب سفارش کرده که خانه اش را از صاحبان قانونی بخرند و به حسینیه تبدیل کنند. محمود نکو گویان در اواخر دهه ۶۰ به خواسته



کلیددار انتخاب می شود و به امور حسینیه رسیدگی می کند. علیرضا زمانی خانه شیخ رجبعلی خیاط را میعادگاه مؤمنان جنوب شهر می داند: «سال ها است علاوه بر مراسم خاص عزا و اعیاد، هر شب جمعه مراسم دعای کمیل در این حسینیه بر پا و با آبگوش و گاهی آبگوش بزباش از مردم پذیرایی می شود.»